

## عنوان مقاله:

مولفه های کارناوال در رمان سیدات القمر جوخه الحارثی بر اساس نظریه باختین

## محل انتشار:

مجله لسان مبین، دوره 14، شماره 51 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 21

## نویسنده:

زهرا فرید - دانشگاه الزهرا

## خلاصه مقاله:

میخاییل باختین (۱۸۹۵) در بررسی خصوصیات نثر رمانگرا که بستری مناسب برای ایجاد فضایی چند صدایی و مقابله با تک سویگی و اقتدار طلبی در فرهنگ هر جامعه است، به مفهوم کارناوال دست می یابد. رمان از نظر باختین مانند کارناوال های قرون وسطا جایگاهی برای همگرایی صداهای فرادست و فرودست جامعه و به هم ریختن سلسه مراتب و گفتمان های غالبی می باشد. او در دل طرح کارناوال گرایی مقولاتی مانند دیگر بودگی، چند صدایی، رئالیسم گروتسک، کرونوتوپ، خنده مرگ، طنز و ... را مطرح می کند و رمان را دارای ظرفیت ایجاد شبکه ای از این مفاهیم می داند. جوخه الحارثی (۱۹۷۸) نویسنده زن عمانی در رمان سیدات القمر (بانوان ماه) با طرح داستانی چند لایه از زندگی مردم عمان بخصوص زنان و بردگان در دوران برده داری و تغییرات بنیادین اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در این کشور، جهانی کارناوالی خلق کرده که بسیاری از گفتمان های غالب و هنجارهای برساخته را به چالش می کشد. این پژوهش بر آن است تا با روش تحلیلی به بررسی مولفه های کارناوال در این رمان بپردازد. نتایج حاکی از آن است که عواملی چون خلق شخصیت های متعدد از طبقات مختلف، همچنین بهره گیری از مولفه های انگاره گروتسک مثل اغراق و برهم زدن هنجارهای اجتماعی و خنده رابله ای و نیز به هم آمیختگی مرگ و زندگی باعث شده که اندیشه های مختلف در فضایی گفتگومند از صدایی یکسان و خارج از قدرت نویسنده برخوردار باشند.

## کلمات کلیدی:

کارناوال، گفتگومندی، باختین، جوخه الحارثی، سیدات القمر

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1628788>

